



Investigating the Basis of the Approach of Compensation for Moral Damages of Legal Entities in the Jurisprudence-Legal System of Iran and England

Esmat Mokhlesabadi Farahani¹, Mehdi Mirdadashi Kari^{2*}, Ebrahim Delshad Maaref³

1. Ph.D Student of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor of Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

3. Assistant Professor of Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 175-191

Article history:

Received: 24 Jul 2023

Edition: 2 Oct 2023

Accepted: 6 Des 2023

Published online: 21 Oct 2024

Keywords:

legal entities; Cause of loss; amount of fault; Compensation for moral damage.

Corresponding Author:

Mehdi Mirdadashi Kari

Address:

Iran, Qom, Islamic Azad University, Qom Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-5439-3933

Tel:

Email:

SM.Mirdadashi1351@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: In this article, what will be studied is the basis and rule of compensation for moral damages in the functional field of legal entities. Therefore, the focus of the research is to examine this important; The person responsible for compensation for moral damage caused by harmful behavior in the field of rights and duties of legal entities is based on what criteria and basis.

Materials and Methods: This research is of a theoretical type, the research method is descriptive-analytical, and the method of collecting information is in the form of libraries, and it was done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: The research shows that in Iran's legal system, according to jurisprudence, as well as the British legal system, in general, moral damages are considered to be compensated according to the proportion and extent of the fault of the person causing the damage, which in case of the victim's agency in the damage caused, The absolute responsibility of the main agent is relatively reduced.

Conclusion: The basis of moral damage compensation in the legal system of Islam, Iran and England is different. In the Islamic legal system and consequently in Iranian law, the rule and basis of compensation has an objective and specific aspect, but in the British legal system, the criterion and basis of an approach in the field of moral compensation of legal entities has a subjective and personal structure.

Cite this article as:

Mokhlesabadi Farahani A, Mirdadashi Kari M, Delshad Maaref E..Investigating the Basis of the Approach of Compensation for Moral Damages of Legal Entities in the Jurisprudence-Legal System of Iran and England. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



مبانی جبران خسارت معنوی اشخاص حقوقی در فقه، نظام حقوقی ایران و انگلیس

عصمت مخلص آبادی فراهانی^۱، مهدی میرداداشی کاری^{۲*}، ابراهیم دلشاد معارف^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مبنای عملکردی جبران خسارت اشخاص حقوقی دارای معیاری عمومی است که برابند اخلاق، قانون و قواعد فقهی است. لذا اساساً امکان جبران خسارت را توجیه می‌کند. جبران خسارت بر اساس اصل جبران کلیه خسارت‌ها مبنای دیگری است که امکان مطالبه خسارت معنوی در حوزه فعالیت اشخاص حقوقی را ایجاد می‌کند. موضوعی که در فقه، حقوق ایران و انگلیس مورد توجه بوده و پذیرفته شده است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: پژوهش نشان می‌دهد در نظام حقوقی ایران به تبع فقه و نیز نظام حقوقی انگلیس به طور کلی جبران خسارت معنوی میسر می‌باشد؛ اما این امکان به نسبت و میزان تقصیر زیان‌زننده در نظر گرفته می‌شود که در صورت عاملیت زیان دیده در زیان وارده با توجه به قواعدی چون قاعده اقدام، خطای زیان‌دیده، مسئولیت مطلق عامل اصلی به نسبت کم می‌شود.

نتیجه: مبنای جبران خسارت معنوی در فقه، حقوق ایران و انگلیس تفاوت ماهوی دارد. چرا که در ایران و فقه معیار و مبنای جبران خسارت معنوی اشخاص حقوقی نوعی است؛ اما در انگلیس به صورت شخصی و مبتنی بر وضعیت خاص پرونده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۵-۱۹۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

واژگان کلیدی:

اشخاص حقوقی، قاعده اقدام، قاعده رضایت به خطر، جبران خسارت معنوی.

نویسنده مسئول:

مهدی میرداداشی کاری

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0000-0002-5439-3933

تلفن:

پست الکترونیک:

SM.Mirdadashi1351@iau.ac.ir

۱. مقدمه

واکاوی می‌کند که به‌صورت عام آن را توجیه می‌کند و یا امکان آن را از زیان‌دیده به دلایلی محدود کرده و یا وی را به‌دلیل تقصیر در فعل ارتكابی از مطالبه خسارت معنوی منع می‌کند. با این اوصاف پرسش اصلی که این مقاله به‌دنبال پاسخ‌دهی به آن است این مهم است که: «مبناهای عملکردی امکان مطالبه خسارت معنوی در فقه، نظام حقوقی ایران و انگلیس چیست؟» این مقاله به‌دنبال درک این موضوع است که جبران خسارات معنوی بر اساس چه مبناهایی موضوعیت پیدا کرده و چرا همواره بحث خسارت معنوی به‌طور کلی و این نوع خسارت در حوزه رفتاری اشخاص حقوقی به‌چنین نقش حاشیه‌ای در نظام‌های حقوقی بدل شده که سعی می‌شود با بررسی مبناهای پرداخت و امکان جبران خسارت میزان بی‌میلی قانونی و عملکردی را در مورد اشخاص حقوقی به‌بوته نقد و بررسی قرار دهیم. علاوه‌بر این کلیت در بادی امر می‌توان به برخی پژوهش‌ها که در این زمینه به‌صورت غیر مستقیم موضوع را بررسی نموده به شرح ذیل اشاره کرد:

اسدی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «اشتباه قاضی و نحوه جبران خسارت» با مد نظر قرار دادن مبناهای فقهی لاضرر معتقدند قضات در مقام صدور رأی و اجرا، از اشتباه مصون نیستند و مطابق قواعد فوق-الذکر ملزم به جبران خسارات وارده ناشی از صدور رأی اشتباه می‌باشند. که در این صورت در پرتو اصل ۱۷۱ می‌توان اعاده حیثیت کرد. البته این مقاله امکان مطالبه خسارت به‌صورت کلی را مد نظر قرار داده است. درحالی‌که مقاله حاضر خسارت معنوی را به‌صورت تطبیقی بررسی می‌کند.

اگر بسیاری از شرایط در پرتو مقررات مشخص در خصوص موضوع خسارت مادی و جبران آن مسئله‌ای حل‌شده محسوب می‌گردد، ماهیت ضرر معنوی و موضوع جبران آن از جمله مواردی است که بحث آن کماکان به انحای مختلف و در مصادیق متفاوت متوقف نشده است. این بحث لاینحل در مورد اشخاص حقوقی و تئوری‌های متفاوت از ماهیت وجودی آن‌ها عمق بیشتری داشته و چالش‌های ژرف‌تری را ایجاد نموده است. در این فرایند مبنای رویکردی جبران خسارت در خصوص اشخاص حقوقی بن‌مایه‌هایی را در نظر و عمل بیان می‌کند که هرچند دارای تشتت عملکردی است؛ اما می‌تواند پاسخ‌های -در شرایطی- قانع‌کننده‌ای ارائه دهد. این در حالی است که نظرات در مورد امکان جبران خسارت معنوی در حوزه اشخاص حقوقی متفاوت است؛ اما می‌توان در میان نظرات، دیدگاه‌هایی مشاهده نمود که چهره قوانین را به نفع جبران خسارت اشخاص حقوقی برجسته ساخته‌اند. البته علیرغم اینکه در بیشتر قوانین مدرن اصل جبران خسارت معنوی در حیطه مسئولیت مورد ایراد قرار نگرفته است؛ اما این بدان معنا نیست که مخالفی وجود ندارد و با استدلال‌های فراوان سعی در حذف آن است. موضوع به همین جا ختم نمی‌شود؛ بلکه اختلاف فقهی نیز به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده و مبتنی بر منطقی آئینی تا حدی در نظامی حقوقی مثل ایران تفوق خود را دارد که حق جبران خسارت معنوی اشخاص حقوقی را اگرچه - در پرتو قواعد عام مسئولیت- می‌پذیرد؛ ولی محدودیت‌هایی در احراز و بازشناسایی آن ایجاد می‌کند. به هر حال این پژوهش امکان خسارت معنوی را بر اساس مبناهایی

نظام حقوقی ایران و نیز جهت تطبیق در نظام حقوقی انگلیس که از نظام حقوقی کامن لا متأثر است، با محوریت عامل زیان تعیین می‌شود. با این حال ضابطه تعیین در دو نظام حقوقی اسلام و به تبع آن در ایران و نظام حقوقی انگلیس متفاوت است. به عبارت دیگر در نظام حقوقی ایران با تأسی از آموزه‌های فقهی ضابطه عینی مورد پذیرش است. این در حالی است که در نظام حقوقی انگلیس این ضابطه دارای معیاری شخصی و ذهنی است.

۵. بحث

در نظام های حقوقی امکان جبران خسارت معنوی در مورد اشخاص حقوقی به سختی پذیرفته شده و یا بایست توجیهات قانونی پیچیده صورت پذیرد؛ اما در فقه به واسطه قواعدی چون قاعده لاضرر می‌توان این امکان را برای هر شخص از جمله شخص حقوقی فراهم کرد. تنها اینکه در نظام‌های حقوقی وابسته مثل نظام حقوقی ایران که به تبع فقه امامیه تشریح و تفسیر شده است، باید ظرفیت‌های تقنینی و رویکردی آن به مرحله اجرا گذاشته شود.

۵-۱. مبناي جبران خسارت معنوی

این واقعیتی است که شناخت و احراز حقوق معنوی در نظام حقوقی اسلام نه تنها دارای مبنایی عرفی (عرف دینی بر پایه باورهای شرعی) است که دارای جنبه‌های استدلالی و اخلاقی نیز می‌باشد. بنابراین حرمت تعرض به حقوق غیر مادی باب دیگری از مسئولیت را نیز می‌گشاید و آن مسئولیت اخلاقی است که با مسئولیت آئینی مبتنی بر تکلیف اخروی گره خورده و یک صدا این موضوع را عنوان می‌کند که ضررهایی که دارای ابعاد حیثیتی،

محمدی، مرادپورشاد، مبین (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان: «تأثیر قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر امکان مطالبه خسارات معنوی و عدم نفع در نظام حقوقی ایران» به این یافته رسیده‌اند که قلمرو قابلیت جبران خسارات معنوی و عدم نفع و به تعبیری، قلمرو مسئولیت مدنی اشخاص به شدت کاهش یافته است. بدین توضیح در مواردی که دیه پرداخت و یا تعزیر منصوص شرعی به اجرا گزرده می‌شود، این دو قسم خسارت، قابلیت جبران ندارند. قانون‌گذار در خسارات عدم نفع، پا را از این هم فراتر گذاشته و خسارات مذکور را صرفاً در صورتی قابل جبران دانسته که بر این دسته از خسارات، اتلاف صدق کند. این پژوهش اگرچه به صورت محدودی به یافته این پژوهش صحه می‌گذارد، بحث متمرکز بر این حقیقت است که در موارد محدود با چه مبنا و معیاری می‌توان مطالبه خسارت معنوی برای اشخاص حقوقی و یا از اشخاص حقوقی کرد.

۲- مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق بیانگر این واقعیت است که مبنا و معیار جبران خسارت معنوی در فقه و به تبع آن در

عمومی جبران خسارت معنوی به دلیل تفاوت در اهداف مسئولیت مدنی دارای طرق و شیوه‌های مختلف خواهد بود (سرتیپ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۷۶). این موضوع را می‌توان در حقوق مسئولیت مدنی ایران و به موجب مواد ۹ و ۱۰ این قانون که هر یک طریقی را در راستای هدف مسئولیت ایجاد می‌کند مشاهده نمود. این مسئله در مورد خسارت اشخاص حقوقی نیز صادق است به‌ویژه که در ماده ۱۲ قانون مسولیت مدنی مبنای عام مسئولیت کارفرما هر نوع حقوقی اعم از مادی و معنوی را شامل می‌شود.

به هر حال در نظام‌های جبران خسارت، جبران عینی خسارت طریقی مرسوم در قوانین است که دارای ضابطه‌ای نوعی و مبتنی بر توجه قانون، همان‌طور که در قانون مسئولیت مدنی آمده، می‌باشد. معیاری که گاه آن را اعاده وضع به حال پیشین زیان‌دیده نیز می‌گویند (حاجی عزیزی، ۱۳۸۰، ۶۴). در حقوق ایران نیز با توجه به قانون موضوعه مبنای مسئولیت باید از نظر عینی دارای نوعیت قانونی بوده و از این طریق توجیه گردد (مصطفی و همکاران، ۱۴۰۲، ۴۵۲). این ضابطه را می‌توان در فقه (با اغماض) با توسیع جبران خسارت با نهاد دیه احراز کرد. یکی از مبنای مهم و رایج جبران خسارت در حقوق کشورهای موسوم به نظام حقوقی کامن‌لا از جمله انگلیس، طریق جبران بر مبنای ذهنی (شخصی) که به‌طور معمول در آن به وضعیت خاص هر پرونده برای انتساب مسئولیت توجه بیشتری می‌شود و زیان‌دیده اختیار دارد از دو انتخاب استفاده کند. اینکه خسارت خود را از منبع جنبی و مزایای آن مثل بیمه دریافت کند. یا اقدام به طرح دعوی نماید. در نظام حقوقی

اعتباری و حتی مرتبط با منزلت اجتماعی است از منظر فقه پذیرفته نبوده و در مقاطع مختلف از سوی تفاسیر دینی بایست جبران شود (رستمی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۰). آیات و روایات متعدد و پرشماری پیرامون حفظ آبرو و حیثیت افراد که همان سرمایه‌های معنوی اشخاص به‌شمار می‌رود، در فقه قابل واکاوی است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده که ایشان فرموده‌اند: «اگر کسی علیه مومن سخنی بگوید که موجب کسر حیثیت وی و از بین بدن مروت و منزلت او شده و موقعیت اجتماعی وی را به مخاطره اندازد، خداوند او را از ولایت و سرپرستی خویش بیرون می‌نماید و چنان بی‌ارزش می‌شود که شیطان نیز پذیرای او نمی‌گردد» (حرعاملی، ۱۳۸۹، ج ۸، ۶۰۸). رویکرد و نگاه امام (ع) به بحث ارزش معنوی هر شخص این باور را تقویت می‌کند که اسلام در بازخورد با سرمایه‌های معنوی و غیر مادی اشخاص رویکردی سختگیرانه‌تر دارد. با این سابقه فقهی غنی هنوز جبران خسارت معنوی در رویه قضایی دارای چالش‌های ژرف قانونی است. موضوعی که در خصوص اشخاص حقوقی به مراتب شدیدتر است. حتی در مراتبی از سوی برخی نهادها حتی درکی روشن که منتهی به جبران خسارت معنوی زیان‌دیده شود وجود ندارد. در نظام حقوقی ایران این احتیاط در صدور آرای جهت جبران خسارت معنوی اگر چه وجود دارد، نباید فراموش کرد از منظر تقنینی، در قوانین متعدد می‌توان امکان مطالبه خسارت معنوی را مشاهده نمود. از جمله ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی این باور را برجسته می‌سازد که مبنای عمومی جبران خسارت در مسئولیت مدنی به‌ویژه در حوزه عملکردی اشخاص حقوقی، در واقع تابع اهداف مسئولیت مدنی می‌باشند. بنابراین مبنای

است (داراب‌پور، ۱۳۸۷، ۸۸). در این نظام حقوقی، جبران خسارت از سوی شخص حقیقی و چه حقوقی، سه مبنا برای زیان‌دیدگان از حوادث اعمال می‌شود: قوانین مسئولیت مدنی، بیمه همگانی یا تأمین اجتماعی و بیمه خصوصی که این سه شیوه با مبنای حق انتخاب برای مدعی خسارت (اعم از مادی و معنوی) قابل مطالبه می‌باشند (Safa, et.al, 2017, 101). این رویکرد همان قاعدظ کلی عدم اجتماع وجه التزام و اجرای اصلی تعهد است که برابند آن عدم امکان مطالبه خسارتی است که قبلاً جبران شده است (هادی، ۱۳۹۸، ۲۱۴). این موضوع می‌تواند در مورد پرداخت خسارت معنوی از سوی شرکت مادر و بری شدن شرکت‌های تابعه مصداق روشنی دارد.

۲-۵. مبانی جبران خسارت معنوی اشخاص حقوقی

قواعد و اصول فقهی تأکید بر جبران کلیه خسارت‌ها دارد. از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد مؤثر دارد و احکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است، قاعده لاضرر و یا نفی ضرر است. (حیدری، ۱۳۸۸، ۱۲۱) تأثیر این رویکرد فقهی در رویه حقوقی اکنون ما نیز قابل مشاهده است. به موجب رأی اصراری شماره ۶ مورخ ۱۳۷۵/۴/۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، یکی از ادله جواز مطالبه خسارت مازاد بر دیه که از جمله خسارت معنوی نیز جزئی از آن می‌باشد، قاعده لاضرر اعلام کرده است. این در حالی است که از جمله قواعد فقهی در موضوعیت دادن امکان مطالبه مازاد دیه به موجب قاعده عسر و حرج توجیه گردیده است. بنابراین در موردی که خسارت وارده بیش از میزان دیه باشد

انگلیس در صورتی که منبع جنبی انتخاب می‌شد دیگر طرح دعوی موضوعیتی نداشت. این موضوع در خصوص اشخاص حقوقی نیز همین رویه و رویکرد را بیان می‌کرد. در این زمینه در مواردی کارگران مختار دانسته شده‌اند تا بین «راه‌های جبران مبتنی بر کامن لا» و «راه‌های جبران مبتنی بر قانون که موضوع مهم بیمه را در بر می‌گیرد» یکی را انتخاب کنند (Lewis, 1999, 6). این ضابطه در نظام حقوقی انگلیس در قالب پذیرش جبران بر پایه رویه و عرف قابل مشاهده است که اساساً بر پایه موقعیت زمانی و مکانی موضوع زیان می‌باشد.

با این بیان، به طور کلی آنچه از مبانی مسئولیت در نظام حقوق اسلام و به تبع آن در نظام حقوقی ایران در خصوص نظام‌های پرداخت و جبران خسارت، استنباط می‌شود آن است که هیچ‌زیانی نباید بدون جبران باقی بماند. همین که زیان وارد شده ناروا و قابل انتساب به فعل زیان‌بار شخصی باشد، از نظر فقه اسلامی، آن شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) مسئول جبران خسارت وارده به زیان دیده می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۱۹۳). پس یکی از مهم‌ترین مبانی مفروض در قوانین مرتبط با قانون مسئولیت مدنی، امکان مطالبه و جبران خسارت‌های روحی، عاطفی و حیثیتی است که موضوع خسارت اشخاص حقوقی در مفهوم لطمات حیثیتی (اعتباری) مصداق روشن‌تری دارد.

در نظام حقوقی انگلیس زیان‌های وارده از جمله ضرر معنوی به شرط اینکه عنصر تقصیر وجود داشته باشد، قابل جبران شناخته شده است. البته به دلیل ناکارآمدی رویکردی این نظام (نظام تقصیر در مسئولیت) انتقادهای گسترده‌ای از آن شده

«اقدام» در لغت به معنای پیش رفتن در کاری، به کاری دست زدن، یا پیش گذاشتن در امری آمده است (عمید، ۱۳۹۸، ج ۱، ۲۰۶) افزون بر این معانی برخی معتقدند: «اقدام در جنگ» به معنی «شجاعت و ترس نداشتن» نیز اشاره نموده‌اند (ابن منظور، ۱۳۹۵، ج ۱۲، ۴۶۷). در اصطلاح عبارت است از اینکه هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، در این حالت زیان‌زننده که ممکن است هر شخصی باشد در قبال زیان‌دیده که خود خواستار چنین زانی است مسئولیت نخواهد داشت. در این راستا در فقه اسلامی عدم تعریف مسئولیت در حوزه عملکردی زیان‌زننده را با تمرکز بر قاعده اقدام می‌دانند. بدین بیان که شخص با اقدامش موجب از بین رفتن حرمت مال خود شده است (ولی‌زاده، ۱۳۹۸، ۳۳۴). حال اگر اقدام هر شخص منجر به خسارتی اعم از مادی و معنوی به خود شود، نمی‌توان دیگری را مقصر خسارت دانست. با این حال همیشه زیان‌دیده به واسطه قاعده اقدام، دارای تقصیر تام نیست. در بیشتر مواقع آنچه اتفاق می‌افتد تقسیم مسئولیت در این فرایند است.

در حوزه بحث از مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی (شخص حقوقی)، چنان‌که اعمال این مؤسسات، منطبق بر قاعده فوق گردد، ضمانی بر این‌گونه مؤسسات نخواهد بود. برای مثال اگر فرض شود شهرداری برای انجام فعالیتی عمرانی، مبادرت به حفاری نماید و شخصی با علم به وجود خطر، از آن مسیر عبور نماید و متحمل زیان شود، ضمانی بر شهرداری نخواهد بود. هرچند شهرداری علائم هشدار نیز نصب ننموده باشد (تذییر)، چون خود زیان‌دیده

مجنی‌علیه در صورتی از ضیق و تنگنا خارج می‌شود که تمام خسارت او جبران شده باشد. یعنی، جانی علاوه بر دیه باید خسارت مازاد بر آن را نیز جبران کند. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز به همین قاعده استناد کرده است.

بنابراین وقتی عامل زیان خسارتی وارد می‌کند که پرداخت دیه آن را جبران نمی‌کند از آن‌جا که خود شخص مسبب این خسارت بوده است باید آن را جبران کند. اداره حقوقی قوه قضائیه در رأی مشورتی و هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری خود با استناد به قاعده مطالبه تسبیب خسارت مازاد بر دیه را مجاز اعلام کرده‌اند (اصغری آقمشهدی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۳). این رویکرد مبنایی در بازخورد با پرداخت خسارت‌های فراتر از دیه که اغلب خسارت‌های مادی را در بر می‌گیرد، نوید پرداخت خسارت‌های معنوی است که شخص به دلیل رفتار زیان‌بار عامل زیان متحمل شده است. در این راستا نیز رویکرد فقه پویا بر پایه نیاز امروزی جهت امکان جبران خسارت مازاد بر دیه واقف شده حکم می‌دهد.

۵-۳. مبنای پرداخت خسارت معنوی

یکی از مبناهای جبران خسارت اعم از مادی و به‌ویژه معنوی موضوع زیان‌دیده است. اینکه زیان‌دیده خود یکی از علت‌های بروز زیان بوده و یا در کنار عامل اصلی خسارت وارده عنصری مداخله‌گر بوده نمی‌توان وی را بدون تقصیر تصور کرد. این واقعیت منجر به رویکردی می‌گردد که به واسطه آن مبنای پرداخت خسارت قابل تقسیم شده و به‌صورت تام و کامل زیان‌زننده را در بر نمی‌گیرد.

۵-۳-۱. بر پایه قاعده اقدام

بهداشتی غیر استاندارد دچار خسارت شده و پوست صورتش و ... صدمه ببیند و به این دلیل دچار آلام روحی گردد، نافی مسئولیت شرکت تولیدکننده نیست. چون با همان استدلال صدق عرفی تلف، معیار ضمان قرار گیرد و این اتلاف گاهی بر مباشر صادق است و گاهی بر سبب (مراغی، ۱۳۹۷، ۳۲۲). با این حال هرچند ممکن است یکی از اسباب زیان خود زیان دیده باشد، این موضوع نافی تبرئه عامل زیان اصلی نخواهد بود، تنها مبنایی است که میزان تقصیر نسبت به حالت عادی کمتر تعریف گردد.

۵-۳-۲. قاعده رضایت به خطر

قاعده رضایت زیان دیده یا رضایت به خطر قاعده‌ای است که بیشتر می‌توان آن را در حقوق موضوعه واکاوی کرد. چرا که در نظام حقوقی اسلام (در فوق تشریح شد) قاعده اقدام همواره رضایت در زیان را مورد توجه قرار می‌دهد. با این حال قاعده رضایت به خطر نیز همانند قاعده اقدام در بحث مسئولیت رفتارهای مخاطره‌آمیزی که منجر به خسارت می‌شود را منتسب به زیان‌زننده ندانسته است. بنابراین حق مطالبه را از سوی زیان‌دیده به‌دلیل فاعلیت در بروز خسارت بر خود منتفی می‌داند.

در این راستا امکان دارد قاعده رضایت با قاعده تقصیر زیان‌دیده در برخی جنبه‌ها چون مواقعی که خواهان برخلاف عرف خسارت را می‌پذیرد بر یک مدار باشد. با این حال این دو قاعده را نمی‌توان در یک ظرف جمع کرده و برابر دانست. چراکه:

الف) قاعده تقصیر از منظر دفاع جهت رفع مسئولیت یک دفاع جزئی است. کما اینکه خواهان به‌صورت نسبی تقصیر را می‌پذیرد. اما در قاعده رضایت که با

با علم به وجود خطر، به ضرر خویش اقدام نموده است (میرداداشی، ۱۳۹۹، ۲۴۵).

پس با استناد به قاعده اقدام نمی‌توان به شخص حقوقی (کارگاه، کارخانه سازنده و یا شرکت وارد کننده) نسبت به مصرف‌کنندگان محصولات ذاتاً مضر که با آگاهی از زیان‌های آن مبادرت به خرید و استعمال آن می‌نمایند، متمرکز شد و آن‌ها را مسبب تام بروز خسارت اعم از مادی و معنوی دانست. البته نباید این مهم را فراموش کرد که قاعده اقدام تنها استدلالی است در جهت تعدیل تقصیر مطلق عامل زیان در مقابل زیان‌دیده بی‌احتیاط و یا طمع‌کار. اما در جایی که شخص حقوقی (اعم از عمومی و خصوصی) در زمینه تولید مالای مضر دارای انحصار می‌باشد و برای مصرف‌کننده حق انتخابی وجود ندارد، دیگر نمی‌توان به این قاعده استناد کرد. چراکه در انحصار طلبی تولید، توزیع و حتی وارد کردن کالا بدون تردید شرط «تضمین سلامت و ایمنی کالا یا خدمت» به نفع خریدار وجود دارد و به استناد ماده ۲۲۱ قانون مدنی عرف این شرایط تعهد تولیدکننده دایر بر تحویل کالای سالم و بی‌عیب، یک تعهد به نتیجه است. موضوعی که می‌تواند مبنای قاعده اقدام در تعدیل و تقسیم جبران خسارت را با چالش مواجه سازد (مکرمی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۱۹). پس خودروسازان که به‌صورت منحصر دست به تولید خودروهای خاصی با کیفیت غیر استاندارد می‌زنند، نباید استناد کنند که مصرف‌کننده خود انتخاب کرده خودرو تولیدی آن‌ها را خریداری نماید. چراکه در شرایط غیر انحصاری شاید هیچ‌گاه خودروهای خودروسازان ایرانی اولویت نداشت. هم‌چنین اگر مصرف‌کننده به‌دلیل استفاده از مواد آرایشی و

برخویشتن سهام دانست. برعکس اگر کار در یک مجموعه صنعتی که استانداردهای محافظت از کارمندان و کارگران خود را تهیه نکرده است یا مواد غیر مصنوعی و اسانس‌هایی که به مواد غذایی اضافه می‌گردد، بیش از حد مجاز باشد. یا شرکت آبفا بیش از حد مجاز کلر در آب مصرفی یک منطقه ریخته و این موضوع موجب مسمومیت مشترکین گردد. این قاعده و رویکرد را می‌توان در پرونده‌ای تشکیل شده در دادگاه ایالتی کالیفرنیا تشریح کرد که در نهایت دادگاه بر پایه قاعده کامن لایی رضایت اعلام داشت که: برگزارکننده نمی‌تواند در پرتو رضایت شرکت-کنندگان در مسابقه خود را ایمن از مسئولیت بدانند (Bean, et.al, 2014, 10234). چراکه هدف قانون در درجه اول حمایت از این اشخاص، در برابر ناتوانی آنها از پیش‌بینی نتایج چنین صدمه-ای می‌باشد -نه فقط حمایت از نفع عمومی- رضایت یکی از این اشخاص به چنین صدمه‌ای هیچ‌گونه تغییری در موضوع نمی‌دهد.

این رویه در دادگاه‌های انگلیس نیز مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل، در مسئولیت مدنی رضایت می‌تواند نقش داشته باشد. هنگامی که شخص در طول مسابقه، ورزشی مانند فوتبال صدمه می‌بیند، ممکن است نتواند دعوای مسئولیت مدنی و به تبع آن خسارت معنوی (دور ماندن از میدان ورزشی) را از باشگاه و یا هر شخص مسئولی اقامه کند؛ زیرا شخص صدمه‌دیده، با شرکت در مسابقه به خطر آسیب دیدن رضایت داده است (Bean, et.al, 2014, 10235)

از بابتی دیگر می‌توان موضوع رضایت به خطر را از چشم‌انداز پیامدگرایی نیز مورد توجه قرار داد. چراکه

اغماض هم معنای قاعده اقدام می‌باشد، در بر دارنده دفاعی کلی و جامع است که در این زمینه زیان‌زننده به‌طور تام از مسئولیت مبرا می‌باشد (کاظمی، ۱۳۸۴، ۴۱). در نظام حقوق انگلیس در صورت مشتبه شدن و تداخل مفهومی تقصیر و قاعده رضایت، قاعده تقصیر را ترجیح داده و آن را بر قاعده رضایت رجحان می‌بخشند. بنابراین کماکان مبنا مسئولیت تام زیان-زننده است.

ب) بر اساس این قاعده شخصی که زیان‌دیده است به‌طور ارادی و از روی آگاهی و به نوعی عمدی خطر را می‌پذیرد. این در حالی است که در قاعده تقصیر زیان‌ورده از سوی زیان‌زننده و قبول آن از سوی زیان‌دیده مرتبط به قصور زیان‌دیده است. بنابراین مسئولیت در اینجا به‌صورت نسبی بین عامل زیان و زیان‌دیده خواهد بود (اسماعیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶، ۷۸). در خصوص شخص حقوقی نیز همین تحلیل قابل تعمیم است. پس اگر شرکتی ساختمانی از کارگاهی ابزارآلات ساختمانی (به‌دلیل ضیق وقت و یا عدم وجود انتخاب دیگر) با این درک که ممکن است مصالح و ابزارها ایمن نیستند، تهیه نماید و سپس مشکلاتی در فرایند ساخت‌وساز ایجاد شود، به‌دلیل رضایت در تهیه می‌توان وی را مشمول این قاعده کامن لایی دانست. در حقوق ایران پذیرش خطر از سوی زیان‌دیده، مسئولیت مبتنی بر تقصیر عامل ورود زیان را از بین نمی‌برد. پس در صورت خسارت یک ورزشکاری که خود نقض مقررات قانونی و مشروع ورزش را انجام داده است، نمی‌تواند از باشگاه مطالبه خسارت معنوی کند.

پس می‌توان پذیرش خطر و تقصیر مصرف‌کننده آگاه تلقی نمود و او را هم در مسئولیت زیان‌های وارد

می‌کند. مثل خودروسازی در ایران که آنچه مد نظر دولت و کلیت خودروسازی است، تنها تولیدات پرچالشی است که همواره کیفیت آن در یک سه ضلعی شورای رقابت، پلیس راهنمایی و رانندگی و خودروسازان با حمایت بی‌ضابطه و غیر رقابتی دولت به (مفهوم اعم) گرفتار می‌باشد که براینده این اقدامات عدم پذیرش مسئولیت به دلیل انحصاری بودن این تولیدات از سوی دولت می‌باشد.

۵-۳-۳. فاعلیت زیان‌دیده در فرض خطای زیان‌دیده

در نظام حقوقی انگلیس در فرض اجرای قاعده مورد بحث، تقصیر زیان‌دیده با تقصیر عامل زیان در ایراد خسارت تأثیر وضعیت پیش زیان‌دیده در مسئولیت مدنی عامل زیان ترکیب می‌شود به نحوی که تقصیر وی تنها عامل ورود خسارت نیست؛ بلکه تقصیر زیان‌دیده نیز در ورود خسارت نقش داشته است (شوشی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۳۰).

در نظام کامن لا و به تبع آن انگلیس تقصیر زیان‌دیده، شرط تأثیر اقدام او بر مسئولیت عامل زیان است و او باید این امر را ثابت کند. لزوم این شرط را از عنوان قاعده «تقصیر مشترک» می‌توان فهمید. در پرتو این دیدگاه در نظام حقوقی انگلیس اعتقاد بر این است که اغلب حوادث نه تنها به تقصیر یک فرد خاطی؛ بلکه (تا حدی) به دلیل رفتار یا فعالیت شخص آسیب‌دیده نیز وابسته است. بنابراین موضوع اساسی این مهم است که چگونه سهم زیان‌دیده (از نظر حقوقی) باید محاسبه گردد. چنانچه شخص مورد نظر شخص حقوقی بوده و ادعای زیان معنوی چون کسر شهرت شود، چه باید کرد. این رفتار مشارکتی شخص

در رژیم حقوقی انگلیس در برخی قوانین بحث خطر و معیار آن بر پایه پیامد حادثه سنجیده می‌شود و به تبع این سنجش بر عامل زیان تعمیم داده می‌شود (Marhavilas, Koulouriotis, 2021, 11). بنابراین اتخاذ یک مبنا و ضابطه صریح مبتنی بر ریسک یک حادثه در فرایند تحمیل قواعد مسئولیت مدنی و درعین حال نسبتاً مدرن در زمینه بهداشت و ایمنی شغلی در کشور انگلیس موضوعی است که سال‌هاست مورد توجه است که در قانون مدیریت بهداشت و ایمنی نمود یافته است. با این حال، تصمیماتی که باید مبتنی بر ریسک باشند، اغلب بیشتر تحت تأثیر پیامدها بوده تا ریسک کلی را در بر گیرد. به عنوان مثال، حوادث بر اساس معیارهای پیامدگرایانه آن به مقررات‌گذاری مربوطه گزارش می‌شود. بنابراین جریمه‌های اخذشده در دادگاه‌ها پیامدهای رفتار زیان‌باری هستند که مرتبط با خطر حاصل از رضایت زیان‌دیده نیستند. عملکرد مزبور اغلب با عدم وجود معیارهای پیامدگرا مانند حوادث زمان از دست‌رفته سنجیده می‌شود. لذا کنترل‌های نظارتی به‌طور گسترده‌ای ناشی از نتایج حاصل از حادثه هستند؛ زیرا آن‌ها «بدون توجه به مدت قرار گرفتن در معرض» اعمال می‌شوند (Woodruff, 2005, 348). هر رفتاری که مدعی جبران خسارت معنوی از اشخاص حقوقی مثل باشگاه‌های ورزشی، مراکز و کارگاه‌های صنعتی، محصولات تولیدی بر خلاف اصول استاندارد انجام داده و شخص را در معرض ورود زیان قرار بدهند و این مخاطرات در حالت عادی قابل پیش‌بینی نباشد، مثل عدم تعیین دقیق مواد افزودنی غیر مجاز از سوی یک کارخانه در مواد غذایی خاص که منجر به ورود خسارت می‌شود. البته ممکن است در مواردی هم برخلاف آن صدق

باشد؛ نخست اینکه عاملیت زیان دیده می‌تواند در میزان تقصیر عامل زیان مؤثر باشد. دیگر اینکه عامل زیان نمی‌تواند فاعلیت زیان‌زننده را مبنایی جهت گریز از پرداخت خسارت نماید.

در انگلیس رویکرد حاضر را می‌توان در قالب سهل-انگاری مشارکتی مورد واکاوی قرار داد. گفتنی است اگرچه منشأ سهل‌گیری مشارکتی را به گذشته نسبت داده و بیان می‌کنند آن از «زمان‌های بسیار قدیم» با ما بوده است؛ اما این در واقع یک آموزه است که منشأ نسبتاً جدیدی دارد. ریشه آن را می‌توان در پرونده انگلیسی باتر فیلد علیه فورستر در سال ۱۸۰۹ جست‌وجو کرد. در آن شاکی اسب سوار به همان سرعتی که در پیست اسب دوانی با اسب خود می‌تاخت، در خیابان نیز با همین سرعت حرکت می‌کرد که منجر به حادثه و صدمه شد. در نهایت در این پرونده لرد النورو استدلال کرد: «برای حمایت از این اقدام باید دو موضوع را باهم در نظر گرفت و از هم تفکیک کرد، نخست، انسداد جاده با تقصیر متهم و دوم، عدم تمایل به احتیاط‌های معمول برای جلوگیری حادثه توسط شاکی (اسب سوار). بنابراین در این پرونده آنچه رأی داده شد، تقصیر مشارکت شاکی و خواننده بود (Malone, 1964, 151). در این پرونده نیز می‌توان دو نکته پرونده قبل را اشاره کرد. چراکه عاملیت زیان اگرچه زیان دیده می‌باشد، این عاملیت با واسطه تقصیر اولیه‌ای است که خواننده در آن نقش محوری داشته است. پس اگر شرکت راه‌سازی و یا خواننده جاده را مسدود نمی‌کرد، هرچند با بی‌احتیاطی زیان دیده چنین اتفاقی رخ نمی‌داد.

آسیب‌دیده که اغلب با مفهوم سهل‌انگاری کمکی به آن پرداخته می‌شود و پیامدهای آن برای مسئولیت غیر قانونی شخصی که مرتکب عمل غیر قانونی شده است، موضوع اصلی مطالعه حقوق خصوصی در طول قرن‌ها بوده است. این پدیده قصور مشارکتی مربوط به همه دوره‌ها است و در تمام مراتب قانونی می‌تواند رخ دهد.

در پرونده‌ای در انگلیس، آقای سیمون پاولک در کارگاهی به‌عنوان یک فعال تولیدی استخدام شد. وی در ابتدای استخدام خود، آموزش بهداشت و ایمنی را فرا گرفت و از نحوه استفاده و کار با تجهیزات کار و خطرات ناشی از آن آگاه شد. با این حال بر وی حادثه‌ای اتفاق افتاد که انگشتان قطع شده و شکست. در دعوای طرح‌شده کارفرما معتقد بود خواهان باید در مقابل خطر به وجود آمده خود را با توجه به آموزش‌های مورد نظر حفاظت کند، هرچند خواهان خود به این موضوع اذعان داشت. با این حال، وکیل این شخص توانست استدلال کند که کارفرمایان باید اطمینان حاصل کنند که کارمندان نمی‌توانند خود را به مکان‌های خطرناک محل کار برسانند؛ زیرا کارمندان از طریق مصلحت برای انجام کار، گاهی کارهای خطرناکی انجام می‌دهند. این استدلال در نهایت منجر شد که دادگاه با این استدلال که: کارفرمایان وظیفه دارند از کارمندان در برابر اقدامات خطرناک محافظت کنند حتی اگر حوادث به دلیل خطرناک بودن رفتار کارکنان اتفاق افتد. پس در این دعوا کارفرما به پرداخت ۶۰٪ خسارت مادی به پاولک و ۳۵٪ درصد خسارت معنوی ناشی از کارافتادگی وی متحمل شده و پرداخت کرد (Fleming, 2015, 133). این رأی حاوی دو نکته مهم می‌-

۵-۳-۴. آگاهی عامل زیان از وضعیت پیشین زیان دیده

گاه زیان دیده خود در صحنه مسئولیت مدنی ایفاگر نقش است. به این معنا که نه تنها با خطای خود در ایراد ضرر به خود و اجرای قاعده «اقدام» مشارکت می کند و در بعضی مواقع با وضعیتی که پیش از وقوع خسارت داشته است، یکی از چالش های مهم مسئولیت مدنی را فراهم می آورد. جبران کامل خسارات، همیشه یکی از دغدغه های اصلی حقوق دانان بوده است (یزدانیان، ۱۳۹۳، ۱۹۲).

در نظام حقوقی کامن لا اعتقاد بر این بود که در بازخورد با قاعده تقصیر مشترک به دلیل مفروض بودن عامل روانی تقصیر زیان دیده، وی نیز به نوعی در بروز خسارت عاملیت داشته و مستحق مطالبه و دریافت خسارت نیست؛ پس غرامتی نیز به وی تعلق نمی گیرد. چراکه خطای زیان دیده، خطای عامل زیان را پوشش می دهد (ولی زاده، ۱۳۹۸، ۳۳۲). البته برخی (کاظمی، ۱۳۹۱، ۸۰) معتقدند فارغ از نظریه فردگرایانه در این نظریه آنچه موجب عدم استحقاق دریافت غرامت به زیان دیده می باشد، عدم امکان تجزیه مسئولیت می باشد. به عبارت دیگر چون از دیدگاه حقوق دانان امکان تجزیه مسئولیت وجود نداشت، زیان دیده را از دریافت خسارت محروم می کردند.

در این زمینه وضعیت زیان دیده دارای عاملی سکونی تلقی می شود که در بازخورد با عامل محرک و پویا که به نظر رفتار عامل زیان می باشد، موجب قلب مسئولیت در حوزه رفتاری زیان دیده شده است. در این خصوص برای احراز رابطه سببیت میان زیان و

فعل زیان بار، بهتر است میان شروط پویا و ایستا تفاوت قائل شد؛ تنها شرط پویا که قادر است در عالم خارج دگرگونی ایجاد کند، چون مؤثر در حدوث صدمه و ضرر می باشند (اردبیلی، ۱۴۰۱، ۲۴۸). برای این اساس، نمی توان حالت زیان دیده را در مسئولیت عامل زیان دخالت داد؛ زیرا، شروط ایستا فقط زمینه ی مساعد حدوث نتیجه را فراهم آورده و نقش دیگری ندارند.

در واقع، مهم ترین اثر قاعده اقدام، حذف یا تحدید مسئولیت عامل زیان است. چنان که پراسر می نویسد: «هیچ کس نمی تواند یا نمی خواهد توجیه کننده این قاعده باشد» (کاظمی، ۱۳۹۱، ۸۳). به هر حال شاید علت غایی در فروض فوق به ویژه در نظریه فرض خطر و مسئولیت مطلق و مقایسه آن با خطا یا تقصیر نسبی زیان دیده، به وسیله قانون برچسب و تبلیغات سیگار در کشورهای پیشرو در صنعت دخانیات چون انگلیس و آمریکا قابل تصور باشد که موضوع مطروحه را به نوعی محدود و منحصر در نظر گرفته و مسئولیت شرکت سازنده را به صورت نسبی معین می کند.

۵-۴. جبران خسارت بین زیان دیده و زیان زنده

فرض مسئله در اینجا آن است که بر اساس قواعد مسؤلیت مدنی خسارت باید میان زیان دیده و خواننده دعوی مسئولیت تقسیم شود. استاندارد برای بهره از متد این نوع سهل انگاری سه پایه اساسی دارد که در تعیین درصد خطا مورد توجه قرار می گیرد. بدیهی است که معیار دقیقی در این زمینه وجود ندارد. شاید همین موضوع از انتقادات مخالفان نسبت

مسئول خواهد بود. متناسب با تقصیر نسبی هر یک از طرفین که باعث آسیب یا خسارت شده است، مسئولیت خسارت را بر عهده دارد. بنابراین اگر شخصی علیه شرکتی طرح دعوا کند، مبنی بر اینکه به واسطه فعل زیان بار این شرکت متحمل زیان شده و خود نیز در این زیان نقش داشته به عنوان یک سبب پویا، جبران خسارت بین هر دو تقسیم می‌گردد.

۶. نتیجه

در این پژوهش مبنای جبران خسارت معنوی و امکان مطالبه آن از طریق اشخاص حقوقی و از سوی آنها در فقه، نظام حقوقی ایران و انگلیس بررسی شد. هدف اصلی این مطالعه، شناخت وضعیت فعلی در مورد مبنای عملکردی جبران خسارت معنوی در حوزه فعالیت اشخاص حقوقی بود. مبنای عملکردی تعریفی از یک ضابطه است که فارغ از معیار مسئولیت با تمرکز بر هدف مسئولیت مدنی امکان مطالبه خسارت را از سوی عامل زیان بررسی می‌کند. با این نگرش باید اذعان داشت در فقه، حقوق ایران و انگلیس قاعده‌ای مشخص که بتواند مبنا و ضابطه‌ای قابل تشخیص و الگویی جهت جبران خسارت معنوی در مورد اشخاص حقوقی ارائه دهد، به صراحت قابل بیان نیست. در تفاسیر مقررات عام در زمینه احراز و تأیید جبران خسارت معنوی از یک سو و قبول امکان مطالبه خسارت معنوی از سوی شخص حقوقی از سوی دیگر از سوی فقه و دو نظام حقوقی مزبور پذیرفته شده است. با این حال استنباط می‌شود که روز به روز، جامعه علمی تمایل فزاینده‌ای به توسعه و استفاده از الگوهای مختلف جبران خسارت معنوی در حوزه فعالیت اشخاص حقوقی (به عنوان عامل زیان و زیان دیده) دارد. مقررات بهداشت و

به سهل انگاری مقایسه‌ای باشد؛ اما این واقعیت است که به همان اندازه که ممکن است تقسیم‌بندی موصوف خام و غیر متعارف باشد؛ اما به همان نسبت واضح که بهتر از نبود معیار و مؤلفه‌ای در این زمینه است که این رویکرد را می‌توان در نظام حقوقی انگلیس مورد واکاوی قرار داد. به هر حال در انگلستان، جایی که هیئت منصفه موارد جراحات اشخاص و مطالبه خسارت‌های مادی و معنوی را با مسامحه در نظر می‌گیرد، به قاضی صلاحیت کاهش خسارت را می‌دهد تا میزانی که زیان دیده در آن سهمیم می‌باشد (بادینی، ۱۳۸۷، ۲۴۶). با این بیان تقصیر مقایسه‌ای یا سهل انگاری نسبی در کشورهای کامن لا متفاوت از هم می‌باشد که در کشور انگلیس نیز مورد منحصر به فرد خود را در قوانین و رویه رعایت می‌کند. البته این نظریه نیز دارای انعطافاتی در برخی موقعیت‌ها است که دو نظریه از دل این انعطاف بیرون آمده «نظریه تقصیر مشترک مطلق و تعدیل شده» (Golobardes, Pomar, 2009, 16; Kratzke, 2011, 52). در حقوق انگلیس نیز انتقادهایی بر قاعده «تقصیر مشترک» وجود داشت. با این حال رویه قضایی انگلیس، بر مبنای نظریه تقصیر مقایسه‌ای تقسیم مسئولیت بین زیان دیده و عامل زیان را پذیرفت (Digges, Klein, 1982, 281).

با توجه به آنچه بیان شد سهل انگاری یا تقصیر مقایسه‌ای در بازخورد با اشخاص حقوقی و نحوه مطالبه خسارت معنوی افراد از این اشخاص نیز قابل بررسی است. تقصیر مقایسه‌ای بر این اصل استوار است که هر شخص در حدی که در ایجاد صدمه یا آسیب به دیگری مقصر باشد، نسبت به شخص دیگر

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

ایمنی در مواجهه با اشخاص حقوقی، مقررگذاری در راستای امکان مطالبه خسارت حیثیت در مورد اشخاص حقوقی چون کسر شهرت و اعتبار و مواردی از این دست خود گویای این پویایی است که در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس می‌توان حتی در مقررات بیمه‌ای آن را مشاهده نمود. البته این اشارات هنوز وابستگی خود را به دیگر اشکال خسارت چون ضرر مادی از دست نداده است.

ضابطه جبران خسارت معنوی در نظام‌های حقوقی به‌طور کلی به مبانی چون اصل جبران کلیه خسارت-ها نیز بر می‌گردد. البته نباید غافل ماند که ضابطه موجود در این دو نظام حقوقی متفاوت است و دلیل آن هم وجود دیه در نظام حقوقی ایران به تبع حقوق اسلامی است. با این حال مبانی جبران کلیه خسارت‌ها در مواقعی نیز در مقابل قواعدی چون قاعده اقدام، رضایت زیان‌دیده و تقصیر وی، تعدیل شده و به‌جای جبران تام خسارت معنوی از سوی اشخاص حقوقی و یا جبران تام خسارت معنوی برای اشخاص حقوقی، این مسئولیت تقسیم می‌گردد. با این حال کلیت امکان مطالبه خسارت معنوی و مبانی آن متأثر از دو دیدگاه کلان در نظام حقوقی ایران و انگلیس است. چرا که حقوق انگلیس به تبع نظام کامن لا خسارت معنوی و امکان جبران آن و حتی میزان مسئولیت جهت اخذ خسارت را بر پایه وضعیت خاص زیان‌دیده در هر پرونده و با لحاظ جهات تشابه در پرونده‌های قبل با معیاری ذهنی می‌سنجد. اما در نظام حقوقی ایران به تبع فقه و نظام رومی ژرمن مبانی مطالبه و میزان تعیین خسارت معنوی نوعی بر مدار توجیه قانون توسط قانون‌گذار می‌باشد.

منابع

فارسی

- حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، ترجمه صحت، علی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۹.
- حیدری، علی، «قابل مطالبه بودن خسارت مازاد بر دیه»، مجله تخصصی فقه مبانی حقوق واحد بابل، ۱۳۸۸.
- داراب‌پور، مهرباب(ترجمه)، «اصول کلی مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی انگلستان»، فصلنامه دیدگاه حقوقی، شماره ۴۵، ۱۳۸۷.
- رستمی نجف‌آبادی، حامد؛ ناصر، مهدی، «تحلیل حقوقی ماهیت خسارت معنوی و طرق جبران آن در پرتو آرای فقهی»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳، ۱۳۹۷.
- سرتیپ‌زاده، رحمت‌اله، غفاری، مجتبی، «بررسی چگونگی درخواست خسارت در دستگاه‌های دولتی»، همایش کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی، ۱۳۹۷.
- شوشی‌نسب، نفیسه؛ میرشکاری، عباس، «تأثیر وضعیت پیشین زیان‌دیده در مسئولیت مدنی عامل زیان، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۷، شماره ۸۴، ۱۳۹۲.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۱، چاپ سی‌وپنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۸.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی: مسئولیت‌های خاص و مختلط، چاپ سی‌ویکم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی جلد اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۱.
- اسماعیل‌آبادی، علیرضا؛ رضوی، محمدحسن، «مطالعه تطبیقی قاعده رضایت زیان‌دیده و اقدام(در نظام حقوقی کامن‌لا و اسلام)»، مجله فقه و حقوق، سال ۴، شماره ۱۵، ۱۳۸۶.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ جعفری، حمیدرضا، «مطالبه خسارت مازاد بر دیه»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، سال ۳، شماره‌های ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
- بادینی، حسن، «قواعد حاکم بر اعمال هم‌زمان نظام جبران خسارت(مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی)»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، ۱۳۸۷.
- پوراسماعیل، علیرضا، «مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن‌لا»، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۴، شماره ۷، ۱۳۹۲.
- حاجی عزیزی، بیژن، «روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، دو ماهنامه دانشگاه شاهد، سال ۹، شماره ۳۶، ۱۳۸۰.

- یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.

لاتین

- Bean, Corliss N., Fortier, Michelle, Post, Courtney, Chima, Karam, Understanding How Organized Youth Sport May Be Harming Individual Players within the Family Unit: A Literature Review, Int J Environ Res Public Health, 11(10), 2014.

- Digges, Edward S. Jr., Klein, Robert D., (1982), Comparative Fault in Maryland: the Time Has Come, 41 Md. L. Rev. 276 (1982) Available at: <http://digitalcommons.law.umaryland.edu/mlr/vol41/iss2/6>.

- Fleming, John G, An introduction to the law of torts", Second edition, Clarendon press. oxford, 2015.

- Golobardes, Mireia Artigot i and Fernando Gómez Pomar, Contributory and comparative negligence in the law and economics literature in: "Tort Law and Economics", Edited by Michael Faure, Edward Elgar, Cheltenham, UK, 2009.

- Kratzke, William P., A, Case for a Rule of Modified Comparative Negligence, University of Memphis – School of Law, Research Paper, 88, 2011.

- Lewis, Richard, "Deducting Benefits from Damages for Personal Injury",

- کاظمی، محمود، «آثار تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۸، ۱۳۸۴.

- کاظمی، محمود، «اثر فعل زیان دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.

- مراغی، میر عبدالفتاح، عناوین الفقهیه، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۷.

- مصطفی، زهره؛ مشهدی‌زاده، علیرضا؛ بزرگمهر، امیرعباس؛ شاهسوندی، اسماعیل، انتساب در مسئولیت مدنی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق کشور آمریکا، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۵، شماره ویژه فقه و حقوق (نو)، ۱۴۰۲.

- مکرمی، حسن؛ تقی‌زاده، ابراهیم، «مسئولیت مدنی تولید و عرضه‌کنندگان خودروی معیوب در دوره تضمین»، فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۲۴، شماره ۱۲، ۱۳۹۶.

- موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴.

- میرداداشی، مهدی، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۹.

- ولی‌زاده، حسین، «اثر قاعده لاضرر در مسئولیت مدنی و نقش قاعده اقدام در اثر رافعیت آن»، مجله قانون یار، دوره ۳، شماره ۱۰، ۱۳۹۸.

- هادی، سولماز، «جایگاه نقض تعهدات قراردادی انگلیس در حقوق ایران و انگلیس»، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره ۳، شماره ۹، ۱۳۹۸.

Oxford University Press, First published, ١٩٩٩.

- Malone, Wex, S, (1964), The Formative Era of Contributory Negligence, Illinois Law Review ,41 (2), 1964.

- Marhavidas, Panagiotis K., Koulouriotis, Dimitrios E., Risk-Acceptance Criteria in Occupational Health and Safety Risk-Assessment—The State-of-the-Art through a Systematic Literature Review, Journal: Safety, 7 (77), 2021.

- Safa Abdalla, Spenser S. Apramian, Linda F. Cantley, and Mark R. Cullen, Injury Prevention and Environmental Health, Occupation and Risk for Injuries, University of Washington, Seattle, Washington, United States, Chapter 6, 2017.

- Woodruff, Jason.Michael, Consequence and likelihood in risk estimation: A matter of balance in UK health and safety risk assessment practice, Safety Science, 43 (5-6), 2005.